DOI.01.02.01
Quarterly Journal of Institutional Progress and Development
Vol. 1, No. 2, Summer 2025, 1-18

Institutional Analysis of Trade Policy-Making under Crisis Conditions

Saeed Gholami
Master of Management, Malek Ashtar University of Technology

Date of Received: 2025/11/22 **Date of Acceptance**: 2026/01/17

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
تحلیل نهادی سیاست‌گذاری
بازرگانی در شرایط بحران

Abstract

Volatility and Fragility in Trade Policy-Making in Iran, particularly under crisis conditions such as international sanctions, have led to interruptions in the decision-making process and weakened institutional efficiency. The significance of this issue lies in the fact that its persistence threatens the stability of economic governance and the attainment of national policy objectives prescribed in documents such as Chapter 19 of Iran's Seventh Development Plan.

The central question of this article is: How does the institutional mechanism shaping the resilience of trade policy-making operate under crisis conditions?

To address this, the study employs an institutional theoretical analysis using a deductive–comparative reasoning approach. Drawing upon the foundations of institutionalism, four key constructs are identified: Institutional Capacity (C_I), Policy Flexibility (F_P), Governance Cohesion (G_H), and Decision Resilience (R_D). Subsequently, the causal relationships among these constructs are formulated in the symbolic theoretical model (C_I + F_P → G_H → R_D) and validated through alignment with national policy documents and international studies.

The results indicate that the combination of institutional capacity and policy flexibility acts as the driving force in forming governance cohesion, which in turn serves as a necessary condition for decision resilience when facing crisis-induced tensions.

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]

Accordingly, strengthening adaptive and learning institutional structures constitutes a direct response to the article's main question and represents a fundamental strategy for sustaining trade policy-making under conditions of crisis.

Keywords: Institutional analysis, crisis, resistance economy, trade resilience, trade policymaking

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
سال پانزدهم، شماره دوم
تابستان ۱۴۰۴

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]

DOI.01.02.01
فصلنامه پیشرفت و توسعه نهادی
دوره اول، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴
صص ۱۸ - ۱

تحلیل نهادی سیاست‌گذاری بازرگانی در شرایط بحران

سعید غلامی
کارشناس ارشد مدیریت دانشگاه صنعتی مالک اشتر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۷

چکیده

نوسانات ایجاد شده و شکنندگی سیاست‌گذاری بازرگانی در ایران، به‌ویژه در شرایط بحران‌ها (مانند تحریم)، موجب وقفه در جریان تصمیم‌سازی و تضعیف کارایی نهادی گردیده است. اهمیت این موضوع از آن روست که تداوم آن، پایداری حکمرانی اقتصادی و تحقق اهداف اسناد ملی، مانند فصل ۱۹ برنامه هفتم توسعه، را مورد تهدید قرار می‌دهد. سؤال اصلی مقاله این است که سازوکار نهادیِ شکل‌دهنده به تاب‌آوری سیاست‌گذاری بازرگانی در شرایط بحران چگونه عملخواهد کرد؟ برای پاسخ، پژوهش با رویکرد تحلیل نظری نهادی و روش استنتاج قیاسی- تطبیقی انجام گردید. ابتدا از مبانی نهادگرایی چهار سازه کلیدی استخراج شد: ظرفیت نهادی (CI)، انعطاف سیاستی (FP)، انسجام حاکمیتی (GH) و تاب‌آوری تصمیمی (RD). پس از آن روابط علی میان این سازه‌ها در قالب مدل نظری نمادین ($C_I+F_P \rightarrow G_H \rightarrow R_D$) تدوین و با تطبیق بر اسناد ملی و مطالعات بین‌المللی اعتبارسنجی گردید.

نتایج بیانگر آن بود که ترکیب ظرفیت نهادی و انعطاف سیاستی، موتور شکل‌دهنده انسجام حوزه حاکمیتی است و این انسجام خود، شرط لازم برای تاب‌آوری تصمیمی در مواجهه با تنش های بحران است. بنابراین تقویت سازه‌های نهادی یادگیرنده و انعطاف‌پذیر، پاسخ مستقیم به سؤال مقاله و راهکار بنیادین برای پایداری سیاست‌گذاری بازرگانی در شرایط بحران حساب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تحلیل نهادی، بحران، اقتصاد مقاومتی، تاب آوری تجاری، سیاست گذاری بازرگانی

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]

۱. مقدمه

در سالهای اخیر، گسترش بحران های مختلف بالاخص بحران های انسان ساخت، مانند جنگ‌های تجاری و تحریم‌های اقتصادی، ساختارهای بازرگانی بین‌الملل را به‌طور بنیادین دچار اختلال و ریسک پذیرکرده است. این نوع از بحران‌ها تنها رویدادهای اقتصادی نبوده، بلکه پدیده‌هایی نهادی و سیاسی هستند که در بستر تعامل مابین دولت‌ها و ائتلاف‌های قدرت تشکیل شده و به‌طور مستقیم بر قواعد، الگوها، هنجارها و تصمیم‌های اقتصادی تاثیرات بخصوصی خواهند گذاشت. به همین علت، تحلیل سیاست‌گذاری بازرگانی در شرایط بحران ها نیازمند نگاهی نهادی است؛ این نگاه فراتر از ارزیابی شاخص‌های اقتصادی، به تحلیل و بررسی منطق و کارکرد نهادهای تصمیم‌گیر و تنظیم‌گر و همچنین سیاست گذار می‌پردازد.

در فضای بین الملل، تجربه‌ی بحران‌هایی مانند جنگ تجاری میان ایالات متحده و چین بیانگر آن است که بازتنظیم زنجیره‌های ارزش جهانی و انتقال مسیرهای تجارت، تا چه حد تاثیر پذیر از اختلاف های ژئواکونومیک است و نه صرفاً قواعد بازار. داده های اقتصادی بین‌المللی بیانگر آن است که کشورهایی نظیر مکزیک و کانادا به‌صورت غیرمستقیم، از تبعات این منازعات زیان های بسیار زیاد به میزان چند میلیارد دلار دیده‌اند (Mao، ۲۰۲۰: ۱/۵۸۴؛ Görg، ۲۰۲۰: ۱/۷۷۸). بدین لحاظ، بحران‌ها، چنان‌که (North، ۱۹۹۰: ۲/۱۳۵) بیان می‌کند، زمینه‌ای برای نمایان شدن ناکارآمدی یا پویایی قواعد نهادی‌اند؛ به دلیل اینکه در شرایط پیش رو، نهادهای اقتصادی و سیاست گذار یا به سمت تمرکزگرایی و انجماد تصمیم خواهند رفت و یا واکنش اصلاح‌گرانه و تطبیقی از خود نشان می‌دهند (Ostrom، ۲۰۰۵: ۱/۹۲).

در جمهوری اسلامی ایران، تحریم‌ها و محدودیت های اقتصادی طی دهه های گذشته، سیاست بازرگانی را در معرض آزمونی جدی و ویژه قرار داده است. تحریم‌های چندلایه اقتصادی علاوه بر محدود نمودن دسترسی به منابع مالی بین‌المللی، موجب گسست تصمیم‌گیری میان نهادهای مرکزی، بانکی و اجرایی شده اند. این شرایط بیان گر آن است که ضعف ها در هماهنگی نهادی، توانایی کارآمدی و قابلیت های سیاست‌های بازرگانی را به‌طور محسوسی کاهش دهد (ایران‌فر و عموزاد خلیلی، ۱۴۰۱: ۹۹/۶۳-۱۲۲). در عرصه بین المللی چنین محدودیت هایی نتیجه های مشابه داشته‌اند. گزارش های EUISS درباره تحریم روسیه تصریح می‌کند که تصمیمات سیاسی با آثار اقتصادی مخرب و سنگین، زنجیره تأمین جهانی را بازپیکربندی خواهد کرد و سبب تغییرات و جابجایی در الگوهای وابستگی می‌شوند (Brief ۳۵ Russia Sanctions، ۲۰۲۲: ۲/۳۲).

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
سال پانزدهم، شماره دوم
تابستان ۱۴۰۴

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]

رویکرد نهادی می‌تواند کمک به سیاست بازرگانی را نه به‌عنوان مجموعه اقداماتی مقطعی، بلکه مانند یک نظام تصمیم قابل بازتولید در شرایط متغیر بشناسد. از دیدگاه Barbara در مطالعه اشاره می‌نماید که درباره‌ی اثرات تحریم‌ها بر تجارت جهانی، کارایی تحریم‌ها را باید نه در سطح دستاوردهای اعلام‌شده، بلکه در میزان تغییرات نهادی و سازگار شدن ساختارهای اقتصادی با محدودیت‌ها ارزیابی نمود (Bár-bara، ۲۰۲۳: ۱/۲۵). وی تأکید می‌نماید که تحریم‌ها، بیش از آنکه ابزار فنی در جهت اقدامات سیاست خارجی باشند، میدان قدرتی هستند که در آن محاسبات ژئوپلیتیک، روایت‌های اخلاقی و هزینه‌های انسانی با وابستگی های زیاد درهم تنیده شده اند (همان: ۳۲/۲). با توجه به این موارد، تحلیل و بررسی نهادی، راهکاری برای فهم سازوکار مقاومت یا سازگاری نظام‌های اقتصادی در برابر ریسک های وارده خارجی فراهم می‌آورد.

از نگاه سیاست‌گذاری ملی، این مطالعه با اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران مطابقت دارد. در فصل نوزدهم برنامه ی هفتم توسعه، بر ضرورت «ارتقای تاب‌آوری نهادی تجارت خارجی و مدیریت هماهنگ بازرگانی کشور» تأکید دارد (برنامه هفتم توسعه، ۱۴۰۲: ۲۴۵/۱۹-۲۴۹). همچنین در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری (مصوب ۱۳۹۲)، بندهای ۱۰ تا ۱۲ ضمن اشاره به «بازطراحی نظام حوزه بازرگانی در شرایط تحریم»، ساماندهی نهادی و اصلاح نظام تصمیم‌گیری را اساس تحقق مقاومت اقتصادی بیان نموده اند (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۲: ۱۰/۱-۱۲). علاوه بر موضوعات مطروحه، سند ملی جنگ اقتصادی و پدافند غیرعامل (جلالی، ۱۳۹۰: ۸/۱) بر اهمیت هم‌زمانی تصمیمات امنیتی و اقتصادی در مواجهه با بحران‌هاب انسان ساخت تأکید می‌نماید و نقش نهادهای بازرگانی را در صیانت از زیرساخت‌های حیاتی اقتصادی تبیین می‌نماید.

در چنین بستری، مسئله‌ی اصلی مطالعه حاضر را می‌توان به این صورت بیان نمود: چگونه می‌توان چارچوبی نهادی برای سیاست‌گذاری بازرگانی ایران در شرایط بحران طراحی کرد که در برابر تحریم‌ها و بحران های وارده، تاب‌آوری لازم را داشته باشد؟ پاسخ این مسئله مستلزم ارزیابی تعامل نهادهای اقتصادی، قواعد تنظیمی و ظرفیت تصمیم‌گیری در سطوح مختلف است. این مطالعه موضوع، نه‌تنها از نظر فهم تئوریکِ رفتار نهادی دولت در شرایط فشار و بحران، بلکه از جهت کاربردی برای اصلاح ساختار تصمیمات تجاری در حوزه بازرگانی اهمیت دارد.

بنابراین، مقدمه‌ی حاضر زمینه‌ی نظری پژوهش را برای تبیین این هدف فراهم می‌آورد: طراحی و تحلیل نهادی سیاست‌گذاری بازرگانی ایران در شرایط بحران، با تکیه بر منطق اسناد بالادستی و ملی،

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]

بررسی و مطالعه پژوهش ها و گزارشات در حوزه بین‌المللی و مقایسه‌ی تجربی با سایر کشورها. مطالعه حاضر بر این باور است که بحران‌ها، فرصتی برای بازآفرینی نهادی در سیاست های بازرگانی محسوب می‌شوند، زیرا بررسی آن با عث خواهد شد توان حکمرانی اقتصادی آشکار گردیده و مسیر توسعه‌ی نهادی به‌عنوان متغیر اصلی پایداری اقتصادی شکل گیرد. رویکرد پژوهش حاضر از توصیف ساده ی پدیده‌های تجاری گذر کرده و در پی کشف روابط ساختاری میان بحران، نهاد و سیاست می‌باشد.

۲.پیشینه تحقیق

بررسی و تحلیل نهادی سیاست‌گذاری بازرگانی در شرایط بحران، حوزه‌ای میان‌رشته‌ای میان مدیریت دولتی، اقتصاد سیاسی بین‌الملل و سیاست‌گذاری عمومی می‌باشد. تحلیل پیشینه در این حوزه بیانگر آن است که بخش عمده‌ای از مطالعات در دهه های اخیر بر دو محور متمرکز بوده‌اند: اول، تأثیر بحران‌های انسان‌ساخت (تحریم‌ها و جنگ‌های تجاری) بر ساختار تصمیم‌گیری و سیاست گذاری اقتصادی در سطح دولت‌ها؛ و دوم، تحول نهادی سیاست‌های بازرگانی در پاسخ به شوک های خارجی، کمبود منابع و بحران های مالی.

در جمهوری اسلامی ایران ، طی سال‌های اخیر، مجموعه‌ای از پژوهش‌ها و تصمیم های کلان در قالب اسناد بالادستی با تمرکز بر اقتصاد مقاومتی، تاب‌آوری بازرگانی و ارزیابی کارکرد نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه تجارت خارجی انجام شده‌اند. در ادامه، سوابق پژوهش به دو بخش بین‌المللی و داخلی تفکیک شده تا روند کلی تحول اندیشه و عمل در این زمینه شفاف تر گردد.

جدول شماره ۱- مطالعات انجام شده در حوزه بین المللی

نتیجه کلیدی	موضوع پژوهش	منبع	نویسنده -سال
واکنش نهادها تابع ظرفیت سیاستی و یادگیری تدریجی	اثر جنگ تجاری بر زنجیره‌های جهانی ارزش	World Economy	Mao (2020)
ایجاد نهادهای موازی سیاستی برای مدیریت تعرفه	نهادگرایی در بحران تجاری چین-آمریکا	World Economy	G rg (2020)
شکل‌گیری مدل سیاستی پان‌اروپایی برای تحریم‌ها	انعطاف نهادی در اتحادیه اروپا	Schmalenbach Journal	Förster (2022)
ظهور الگوی بازدارنده و بازآرایی نهادهای مالی	تحریم به‌عنوان سازوکار قدرت نهادی	SSRN Working Paper	Bárbara (2023)
افزایش هزینه ی سرمایه و بازنگری در همکاری بانکی	پیامد تحریم روسیه	EUISS Policy Brief	Brief 35 (2014)

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]

جدول شماره۲- مطالعات داخلی درباره سیاست‌گذاری بازرگانی در شرایط بحران

نتیجه کلیدی	موضوع پژوهش	منبع	نویسنده -سال
هماهنگی میان نهادهای تنظیم‌گر	تاب‌آوری نهادی تجارت خارجی	سند ملی	برنامه هفتم توسعه (۱۴۰۲)
تبدیل منشور مقاومت به چارچوب سیاستی	بازطراحی ساختار تصمیم در تحریم	سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	مجمع تشخیص (۱۳۹۲)
لزوم شبکه ی نهادهای پشتیبان تولید	پایداری تولید در بحران	سند پدافند غیرعامل	جلالی (۱۳۹۰)
الگوی نهاد سایبان پدافندی	شاخص‌های نهادی تاب‌آوری	فصلنامه مدیریت منابع انسانی صنعت نفت	ایران‌فر و عموزاد خلیلی (۱۴۰۱)
کاهش وابستگی واردات	سیاست‌گذاری در تحریم	دانشگاه تهران، مدیریت بازرگانی	حقیقی (۱۳۹۵)
اولویت‌بندی موانع نهادی	ارزیابی وزنی شاخص‌های تحریم	مقاله AHP - تحلیل ریسک بازرگانی	رحمانی و دیگران (۱۳۹۸)

۳. مبانی نظری و چارچوب مفهومی تحلیل

۱.۳. مبانی نظری نهادگرایی در سیاست‌گذاری حوزه بازرگانی

بررسی و تحلیل نهادی سیاست‌گذاری در حوزه بازرگانی ریشه در نظریه ی نهادگرایی دارد که از ابتدای قرن بیستم در تفکر اقتصادی و سیاسی شکل گرفته و تشریح گردیده است. نهادگرایان کلاسیک همچون وِبلن و کامُنز بر این باور بودند که رفتارهای اقتصادی و تصمیم‌های سیاستی، در خلأ شکل نخواهند گرفت بلکه تحت قیدها و فرصت‌های نهادی پیدایش می‌یابند. نورث (۱۹۹۰) این نگرش را با تأکید بر «قواعد رسمی و غیررسمی در بازی سیاست و اقتصاد» ادامه و اشاره کرد که توسعه ی پایدار زمانی نتیجه بخش خواهد بود که نهادها بتوانند انگیزه‌های رفتاری را همسو و هم مسیر نمایند (همان، ۱۹۹۰ : ۱۵/۱).

در سال های گذشته، رویکرد نهادگرایی نو در مفاهیم اقتصاد سیاسی بین‌الملل با تمرکز بر بحران‌ها و شوک های وارده گسترش یافته است. مطالعه Mao (۲۰۲۰ : ۵۸/۱) در مجلهی World Economy نشان داد که تنش های تجاری آمریکا و چین سبب تغییر در نهادهای تنظیمی و بازتنظیم مقررات تجاری جهانی شد؛ جهانی‌شدن تحت شوک‌های تجاری منجر به «تغییر نقش دولت در زنجیره‌های ارزش» گردید. به همین منظور، Görg (۲۰۲۰ : ۷۷۸/۱) بیان می‌کند که بحران‌ها در حوزه تجاری در واقع آزمایشگاه‌های واقعی برای سنجش «ظرفیت نهادی» کشورها در واکنش سیاستی‌اند.

به بیان دیگر، نظریه ی «تاب‌آوری نهادی» که در پژوهش‌های Förster (۲۰۲۲ : ۴۱۲/۳) در

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]

Schmalenbach Journal بسط یافته، بر پیوند میان یادگیری و بازخورد سیستمی نهادها در شرایط بحران تأکید مینماید. این نگرش به این باور است، بحران به‌جای از بین رفتن سیستم، می‌تواند به بازآفرینی کارکرد نهادها بینجامد، مشروط بر اینکه ساختار حکمرانی اجازه ی اکتشاف و اصلاح را بدهد (همان، ۴۱۵/۳).

در سطح نظام بین‌الملل، تحلیل Bárbara (۲۰۲۳ : ۲۵/۱) در SSRN تحریم‌های اقتصادی را نه ابزار اقتصادی بلکه سازوکار توانایی نهادی می‌داند که از رهگذر آنها دولت‌های مسلط با تنظیم قواعد و استثناها، اقتصاد بین الملل را به‌صورت نهادمند هدایت می‌کنند. از دیدگاه وی، تابع واکنش کشورها به بحران هایی همچون تحریم وابسته به «ظرفیت سیاستی» و «انعطاف نهادی» است. تحلیل مشابهی در گزارش سیاستی Brief 35 EUISS (۲۰۱۴ : ۳۲/۲) برای روسیه بیان شد که در آن، تحریم‌ها موجب بازتنظیم کانال‌های مالی و شکل‌گیری نهادهای جایگزین پرداخت بین‌المللی گردیدند.

نتیجه ی این مباحث بیان آن است که رویکرد نهادگرایانه به سیاست‌گذاری بازرگانی، بحران را به‌عنوان مرحله ی ساختارساز تلقی می‌کنند؛ به بیان دیگر لحظه‌ای که قواعد نهادی و روابط قدرت مورد بازتعریف قرار می‌گیرند و نقشه جدیدی برای تعامل دولت و بازار ایجاد می‌شود.

۲/۳. چارچوب مفهومی تحلیل نهاد های بازرگانی در ایران

در جمهوری اسلامی ایران، بررسی آثار بحران‌ها به‌ویژه تحریم‌های بین‌المللی مستلزم شناخت معماری نهادی حاکم بر سیاست بازرگانی است. بر اساس فصل ۱۹ برنامه ی هفتم توسعه، دولت وظیفه دارد با تقویت نهادهای تنظیم‌گر و هماهنگی بین نهاد ها، تاب‌آوری تجارت خارجی را ارتقا دهد. این راهبرد، با بندهای ۱۱ و ۱۴ همان فصل پیوند دارد که به «یکپارچگی سیاست صنعت، تجارت و امنیت اقتصادی» اشاره می‌کنند.

(سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲ : ۱۰/۱-۱۲) نیز، از نگاه نظری، الگویی از نهادها و کنشگران را ارائه می‌نماید که هدف آنها «مقاوم سازی ساختار تصمیم» است. در این الگو، نهادهای سیاستی می‌بایست از طریق تعامل بین قوه ها، هماهنگی افقی و پشتیبانی عمودی، چرخه ی تصمیم سازی تا اجرا را در شرایط بحران حفظ نمایند.

پژوهش جلالی (۱۳۹۰ : ۸/۱) در سند «جنگ اقتصادی و پدافند غیرعامل» بیانگر آن بود که تصمیم‌های تجاری در زمان بحران می‌بایست از طریق شبکه ی غیرمتمرکز و قابل انعطاف نهادها هدایت شوند تا پایداری در تولید حفظ گردد. همچنین، مقاله ی (ایران‌فر و عموزاد خلیلی ۱۴۰۱ : ۹۹/۶۳-۱۲۲)

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]

مفهوم«نهاد سایبان پدافندی» را برای مدل‌سازی تاب‌آوری اقتصاد نفتی ایران بیان می‌کند؛ به اعتقاد وی، این نهاد سایبان زمانی مثمر ثمر بوده که جریان اطلاعات، تصمیم و پشتیبانی در قالب یک ساختار هوشمند فرا بخش سازمان دهی گردد.

با توجه به این دیدگاه‌ها می‌توان چهار سازه ی کلیدی را برای چارچوب مفهومی استخراج کرد:

۱. ظرفیت نهادی سیاست‌گذاری: قابلیت ساختار تصمیم برای گردآوری اطلاعات، هماهنگی سازمانی و یادگیری سیاستی (Mao, ۲۰۲۰ : ۶۰/۱).

۲. انعطاف سیاستی: توانایی نهادها در تعدیل یا بازنویسی سیاست‌ها در مواجهه با بحران (Förster, ۲۰۲۲ : ۴۱۸/۳).

۳. حاکمیت اقتصادی: میزان انسجام افقی میان نهادهای تجاری، مالی و امنیتی و قوه ها (برنامه هفتم توسعه، ۱۴۰۲ : ۲۴۷/۱۹).

۴. تاب‌آوری تصمیم: تداوم فرآیند تصمیم در شرایط فشار و اختلال (جلالی، ۱۳۹۰ : ۹/۱؛ همان، ۱۴۰۱ : ۱۱۴/۶۳).

این چهار مؤلفه در کنار هم چارچوبی را می‌سازند که می‌تواند تحلیل نهادی سیاست‌گذاری بازرگانی در شرایط بحران را ممکن کند.

۳/۳. مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش

با تلفیق مبانی نظری و سوابق پژوهش، مدل مفهومی پژوهش مبتنی بر تحلیل دو سطحی تدوین گردیده است:

الف) سطح کلان (نهادهای سیاست‌گذار و تصمیم گیر)

در این سطح، نگاه ویژه بر نهادهایی است که قواعد رسمی در حوزه بازرگانی را تعیین خواهد کرد. این قواعد می تواند در حوزه وزارت صنعت، معدن و تجارت، بانک مرکزی و شورای عالی امنیت ملی سیاست گذاری شود. وظیفه ی این نهادها تنظیم جریان‌های واردات و صادرات و انطباق قواعد این حوزه با شرایط تحریم است.

ادبیات Förster (۲۰۲۲ : ۴۱۶/۳) بیانگر آن است که نهادهای کلان وقتی تاب‌آور هستند که یادگیری سیاستی آنها از تجارب گذشته نهادینه شده باشد.

ب) سطح اجرایی (نهادهای پشتیبان تصمیم)

در سطح دوم، واحدهای میانی و اجرایی مانند شرکت‌های دولتی، اتاق بازرگانی، گمرک و شبکه‌های

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]

حمل و نقل عمل می‌کنند. مدل AHP که در مقاله ی مدیریت بازرگانی و امنیت اقتصادی توسط (غلامی و انصاری‌نسب ۱۴۰۲ : ۴۹/۱) ارائه شده، نشان می‌دهد که این سطح بیشترین اثر را از بحران‌ها را می‌پذیرد، ولی با تحلیل سلسله‌مراتبی ریسک می‌توان مسیرهای جایگزین تصمیم را شناسایی کرد.

با توجه به مواد مطروحه، چارچوب پیشنهادی تحقیق بر تقاطع این دو سطح واکاوی می‌شود:

- متغیر مستقل: ظرفیت نهادی و انعطاف سیاستی
- متغیر وابسته: تاب‌آوری تصمیم در سیاست‌گذاری بازرگانی
- متغیرهای میانجی: حاکمیت اقتصادی و کنترل نهادی

شکل۱- الگوی تبیینی چارچوب

افزایش ظرفیت نهادی ⟵ افزایش انعطاف سیاستی ⟵ تقویت حاکمیت اقتصادی ⟵ افزایش تاب آوری تصمیم

این رابطه ی زنجیره‌ای بر مبنای یافته‌های ترکیبی سوابق داخلی و بین‌المللی قابل آزمون است. گسترش مدل به حوزه ی سیاست‌گذاری بازرگانی در شرایط شوک، توانایی تبیین تفاوت در میزان پایداری تصمیم‌های اقتصادی ایران نسبت به بحران‌های تحریم را فراهم خواهد ساخت.

۴/۳. جمع بندی

با توجه به تعاریف و مفاهیم بیان شده در این فصل می‌توان به این نتیجه رسید که هرگونه سیاست‌گذاری بازرگانی در شرایط بحران، نه صرفاً حاصل تصمیمات اقتصادی، بلکه برآیند پویش نهادی در سطوح مختلف حکمرانی است. الگوی نهادگرایانه پیشنهادی در این مطالعه، ضمن تلفیق نظریات بین‌المللی و اسناد بالادستی و ملی، تأکید می‌نماید که تاب‌آوری بازرگانی زمانی تحقق بخش است که ساختار تصمیم، منعطف، یادگیرنده و هماهنگ با قواعد نهادی ثابت باشد.

۵. مبانی نظری و الگوی تحلیل

سیاست‌گذاری در حوزه بازرگانی در شرایط بحران تابع روابط پیچیده‌ای میان نهادها، قواعد تصمیم‌گیری و الگوهای حکمرانی می‌باشد. بحران‌ها از جمله تحریم‌ها و منازعات تجاری فقط فرآیند تصمیم‌سازی را تغییر نمی‌دهد بلکه بنیان‌های نهادی توسعه را تغییر می‌دهند. ادبیات نهادگرایی جدید، بحران را آزمونی برای کیفیت قواعد رسمی، ظرفیت اجرایی و توان هماهنگی ساختار در حاکمیت می‌داند (North ۱۹۹۰: ۲۲/۱).

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
سال پانزدهم، شماره دوم
تابستان ۱۴۰۴

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]

در چنین مواقع، دولت نه صرفاً به‌عنوان برنامه‌ریز و طراح، بلکه به‌عنوان معمار قواعد پایدار و تطبیقی عمل خواهد کرد؛ بدین معنی که باید در عین حفظ انسجام حوزه نهادی، امکان نوآوری سیاستی را فراهم سازد. از این دیدگاه، تحلیل نهادیِ سیاست بازرگانی در بحران به‌دنبال تبیین سازوکار تعامل میان «ظرفیت نهادی»، «انعطاف سیاستی» و «انسجام حاکمیتی» می‌باشد تا «تاب‌آوری تصمیم» حصول یابد. این فصل بر مبنای یافته‌های فصل سوم، چارچوب نظری تحلیل را در قالب یک مدل تحلیلی و نهادی توسعه خواهد داد.

۱/۵. مبانی نظری الگوی تحلیل

شاکله نظری الگوی پیشنهادی در آثار کلاسیک و مدرن نهادگرایی قابل شناسایی وبررسی است. وبلن و کامنز بر پویایی قواعد رفتاری در تعامل میان دولت و بازار تأکید داشته اند؛ این در حالی است‌که نورث (North ۱۹۹۰: ۳۳/۱) نهادها را به‌منزله «قواعد بازی» دانست که با کاستن از هزینه‌های مبادله، امکان ثبات نسبی را فراهم نمایند. اما همین قواعد و چارچوب ها، در شرایط بحران باید قابلیت نوسازی در سطح عمل را نیز داشته باشند.

با توجه به دیدگاه (Mao ۲۰۲۰: ۵۹/۱) درباره زنجیره‌های ارزش در دوران بحران و جنگ های تجاری، شوک‌های ساختاری موجب شکاف در قواعد تثبیت‌شده می‌شوند و تداوم جریان‌های بازرگانی تنها در صورتی امکان پذیر است که نظام سیاستی از ظرفیتِ یادگیری نهادی بهره‌مند باشد. به‌همین‌ترتیب(Görg ۲۰۲۰: ۷۸۰/۱) نشان داد که تعاملات در سطح افقی میان نهادهای سیاست‌گذار نسبت به مدل‌های متمرکز، بازدهِ بهتری در شرایط بحران خواهد داشت و تاب‌آوری نهادی را افزایش می‌دهند.

پژوهش (Förster ۲۰۲۲: ۶۴۲/۳) نیز با نگاه بر نظام‌های اروپایی، مفهوم «انعطاف سیاستی» را به‌عنوان سیستم تطبیقی میان نهادهای پایدار و شوک های اضطراری معرفی می‌کند. در این چارچوب، نهادها به‌جای مقاومت در برابر بحران، آن را به فرصتی برای یادگیری تبدیل می‌کنند.

در حوزه داخلی، اسناد رسمی ایران از جمله برنامه هفتم توسعه (۱۴۰۲: ۲۴۵/۱۹) و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲: ۱۱/۱) نیز بر پیوند میان «ثبات نهادی» و «انعطاف حکمرانی» در پاسخ به بحران‌های بیرونی تأکید نموده اند. همچنین سند «جنگ اقتصادی و پدافند غیرعامل» (جلالی ۱۳۹۰: ۷/۱) بحران را پدیده‌ای چند بعدی بیان نموده که مقابله با آن نیازمند هم‌پوشانی امنیت اقتصادی و سیاست بازرگانی است.

با توجه به موارد مطرح شده، مبنای تحلیلی الگو بر چهار سازهی نظری استوار است:

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]

۱. ظرفیت نهادی :(Institutional Capacity) توانایی نظام تصمیم‌سازی در جمع‌آوری اطلاعات، هماهنگی بخش‌ها و تولید سیاست‌های یادگیرنده (Mao 2020 ؛North 1990).

۲. انعطاف سیاستی :(Policy Flexibility) توانایی تغییر قواعد و ابزارها بدون از دست دادن مشروعیت تصمیم (Förster ۲۰۲۲).

۳. انسجام حاکمیتی :(Governance Harmony) هم‌راستایی افقی و عمودی میان دستگاه‌های اقتصادی امنیتی کشور (برنامه هفتم ۱۴۰۲؛ جلالی ۱۳۹۰).

۴. تاب‌آوری تصمیم (Decision Resilience): پایداری جریان تصمیم‌گیری و سیاست گذار در مقابل فشارها، مبتنی بر آموزه‌های نظام حکمرانی مقاومتی (ایران‌فر و عموزاد خلیلی ۱۴۰۱: ۱۱۸/۶۳).

۲/۵. ساختار مفهومی مدل

چهار متغیر فوق در یک چرخه‌ی درونی عمل می‌کنند که منطق علی آن به‌صورت زیر شماره ۱ تبیین می‌شود. بر اساس تحلیل (Bárbara 2023: 1/26) درباره واکنش نهادی به تحریم‌ها، نهادهایی توانا هستند که بتوانند قواعد بازی را به‌طور درون‌زا بازتعریف نمایند. در جمهوری اسلامی ایران نیز هنگامی که شبکه تصمیم‌گیری بازرگانی از هماهنگی متقابل وزارت صنعت، وزارت اقتصاد، بانک مرکزی و شورای امنیت اقتصادی برخوردار باشد، تاب‌آوریِ تصمیم به به میزان حداکثر می‌رسد (همان).

به‌طور نمادین می‌توان رابطه متغیرها را بگونه زیر نمایش داد:

$$C_I + F_P \rightarrow G_H \rightarrow R_D$$

که در آن:

C_I: ظرفیت نهادی، F_P: انعطاف سیاستی، G_H: انسجام حاکمیتی، R_D: تاب‌آوری تصمیم.

برآیند این فرآیند، شکل‌گیری الگوی نهادیِ تطبیقی است که در آن هر نهاد ضمن حفظ مأموریت خود، قابلیت تغییر و بازتعریف نقش را دارا می‌باشد.

۳/۵. الگوی تحلیلی پیشنهادی

پژوهش حاضر الگوی تحلیل نهادی سیاست‌گذاری بازرگانی در بحران را در قالب چهار بُعد کلیدی و روابط درونی میان آن‌ها طراحی و بیان می‌کند.

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
سال پانزدهم، شماره دوم
تابستان ۱۴۰۴

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]

جدول ۳-بعد های الگوی پیشنهادی

منبع اصلی	تعریف مفهومی	بعد نهادی
(60/Mao 2020: 1) (31/North 1990: 1)	قابلیت تولید، تبادل و ادغام دانش سیاستی در ساختار تصمیم	ظرفیت نهادی
(642/Förster 2022: 3)	توان سازگاری در برابر شوک‌ها و حفظ کارکرد تصمیم در تغییر محیط	انعطاف سیاستی
(برنامه هفتم ۱۴۰۲: ۲۴۷/۱۹) (جلالی ۱۳۹۰: ۹/۱)	میزان هم‌سویی افقی و عمودی نهادهای اقتصادی، مالی، امنیتی	انسجام حاکمیتی
(ایران‌فر و عموزاد خلیلی ۱۴۰۱: ۱۱۸/۶۳)	استمرار و پایداری تصمیم در برابر فشارهای سیاسی و اقتصادی	تاب آوری تصمیم

۴/۵. تحلیل و تفسیر نظری الگو

بر پایه یافته‌های Görg (۲۰۲۰) و Williams و همکاران (۲۰۱۷: ۷۴۲/۱۱)، ماندگاری سیاست‌ها در بحران به قابلیت نهادها در ترکیب ثبات ساختاری و انعطاف عملکردی وابسته است. این «پارادوکس پایداری و تطبیق» همان هسته‌ی نظری مدل پیشنهادی است.

در شرایط خاص جمهوری اسلامی ایران، مضمون بند (۲۴۸) برنامه هفتم توسعه درباره «مدیریت یکپارچه در زنجیره تأمین ملی» بیانگر همین رویکرد است: نهادها باید بتوانند در عین حفظ قاعده، سازوکار خود را متناسب با بحران و تهدید بازتعریف کنند. به‌بیان دیگر، تاب‌آوری نهادی نتیجه‌ی ظرفیت بازتعریف قواعد می‌باشد، نه صرفاً اجرای بهتر آن‌ها. این رویکرد، تحلیل نهادی را از توصیف ایستا به سمت تحلیل فرایند پویای نهادها روانه می‌کند.

الگوی نظری این بخش، چارچوبی برای فهم پویایی سیاست گذاری بازرگانی در شرایط بحران ارائه می‌دهد. بر اساس این الگو:

۱. سیاست‌گذاری در شرایط بحران وابسته بر چرخه‌ی یادگیری نهادی است؛

۲. هرچه تعامل و توازن میان ظرفیت و انسجام بیشتر باشد، پاسخ سیاستی دولت مؤثرتر و مفید تر است؛

۳. ترکیب ثبات و انعطاف، متناظر با دستیابی به تاب‌آوری پایدار می باشد.

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]

۶.بحث و نتیجه گیری

بررسی نهادی سیاست‌گذاری بازرگانی در شرایط بحران، همان‌گونه که در فصل‌های پیشین بیان شد، وابسته به درک تعامل سازه‌های نهادی ظرفیت نهادی، انعطاف سیاستی ، انسجام حاکمیتی و تاب‌آوری تصمیم است. این چهار رکن، در مجموع نظام تصمیم‌سازی تجاری کشور را در مقابل بحران‌ها چه از نوع انسان ساخت و چه غیره شکل می‌دهند.

چارچوب نظری ارائه‌شده در فصل چهارم بیانگر آن بود که روابط میان این متغیرها خطی نبوده، بلکه به‌صورت چرخه‌ای و یادگیرنده کار می‌کند؛ به این معناست که افزایش ظرفیت نهادی منجر به بازتولید انعطاف سیاستی و در نتیجه تقویت انسجام حاکمیتی خواهد شد که نهایتاً تاب‌آوری تصمیم را به سطح بالاتری می‌رساند (North 1990: 1/33؛ Mao 2020: 1/60).

پژوهش های بین المللی نیز در بستر بحران‌های تجاری جهانی بیان کردند که کشورها با توانایی انعطاف سیاستی بالا توانسته‌اند زنجیره ارزش خود را از مسیرهای متنوع حفظ نموده و در حالی است که نظام‌های با تمرکز حاکمیتی سخت دچار شکاف نهادی شده‌اند. یافته‌های این مطالعه با آن نتایج هم‌خوانی نظری مستقیم دارد؛ به‌ویژه در نقش تعیین‌کننده ی ظرفیت یادگیری نهادی در کاهش اثرات منفی تحریم‌ها (همان).

در مطالعات داخلی نیز شواهد مشابهی مشاهده می‌شود. در مطالعه ی (ایران‌فر و عموزاد خلیلی ۱۴۰۱ (، تاب‌آوری نهادی در وزارت نفت، تابع هم‌زمانی انعطاف مقرراتی و انسجام تصمیمات بانکی بیان گردیده است. همچنین، در سند (جنگ اقتصادی و پدافند غیرعامل جلالی ۱۳۹۰: ۹/۱) بر اهمیت مدل‌های نهادی ترکیبی برای تداوم جریان بازرگانی ملی تأکید فراوانی شده است. این بررسی ها و تطبیق ها تأیید می‌نماید که رویکرد نهادی تطبیقی راهکار واقعی و ملموس برای دوام سیاست‌های تجاری کشور در شرایط فشار خارجی است.

۶/۱. تبیین نتایج بر اساس الگوی تحلیلی

بررسی نظری مرحله ی پیشین را می‌توان در قالب سه گزاره‌ی تطبیقی بیان نمود:

۱. افزایش ظرفیت نهادی سبب ارتقای تاب‌آوری تصمیمی است؛ زیرا نظام تصمیم‌سازی یادگیرنده، در مواجهه با بحران، قواعد خود را اصلاح و بازتعریف خواهد کرد (North 1990: 1/33).

۲. انعطاف سیاستی لازمه ی تبدیل بحران به فرصت خواهد بود؛ زمانی که ساختار سیاست‌گذاری

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
سال پانزدهم، شماره دوم
تابستان ۱۴۰۴

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]

توان بازچینش مقررات را داشته باشد، توانایی استفاده از شوک های تحریمی را دارد. (Förster 2022: 3/642؛ Mao 2020: 1/59).

۳. انسجام حاکمیتی پیش‌شرط تحقق ظرفیت نهادی می‌باشد؛ هماهنگی افقی میان وزارتخانه‌ها و عمودی میان سطوح عالی اجرایی باعث خواهد شد تصمیمات تجاری پایدارتر و با ثبات اجرا شوند (برنامه هفتم توسعه ۱۴۰۲: ۲۴۷/۱۹).

برآیند این گزاره‌ها، شکل‌گیری یک مدل نهادیِ تاب‌آور را نشان می‌دهد که منطق آن عبارت است از:

$$"C_I+F_P \rightarrow G_H \rightarrow R_D"$$

رابطه فوق نمایانگر رابطه‌ی علّیِ بین ظرفیت و انسجام برای تولید پویایی تصمیمی است و می‌تواند مبنای ارزیابی تجربی در پژوهش آینده قرار گیرد.

۲/۶. ارزیابی سیاستی و پیشنهادها

بررسی تحلیلی این مطالعه، چند توصیه کلیدی برای حوزه‌ی سیاست‌گذاری بازرگانی ایران در وضعیت تحریم و بحران اقتصادی شامل می‌شود:

۱. بازسازی نهادی دستگاه‌های سیاست‌گذار تجاری: پیشنهاد می‌شود با تلفیق مأموریت‌های موازی در وزارت صنعت، اقتصاد و بانک مرکزی، ساختار جدیدی با مأموریت «هماهنگی بحران» و چشم انداز های مناسب ایجاد شود تا انسجام حاکمیتی تقویت گردد (برنامه هفتم ۱۴۰۲ : ۲۴۸/۱۹).

۲. ایجاد پنجره ی واحد یادگیری حوزه نهادی: این پنجره باید داده‌های مربوط به تجارت، گمرک و شبکه‌های تحریم را تجمیع کند تا ظرفیت تصمیم‌سازی در آن افزایش یابد.

۳. تدوین و طراحی سیاست‌های منعطف و موقتی برای مدیریت شوک‌های تجاری: برای مثال اعمال تعرفه‌های شناور کوتاه‌مدت یا قراردادهای تهاتری با کشورهای هم‌سو به‌منظور حفظ فرایند پایدار واردات مواد خام حیاتی (Förster 2022).

۴. تقویت بعد دفاع غیرعامل اقتصادی: مطابق راهبردهای(جلالی ۱۳۹۰: ۱۲/۱)، باید نهادها از الگوی «پدافند اقتصادی» بهره گیرند و برای هر نوع سناریوی تحریم و بحران انسان ساخت حوزه پدافند غیرعامل، خطوط پشتیبان تجاری پیش‌بینی شود.

۵. تدوین شاخص ارزیابی نهادی تاب‌آوری سیاستی: شاخصی متشکل از سه زیرشاخص ظرفیت،

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]

انسجام و انعطاف جهت بررسی اثرات سازه‌های مدل بر تصمیمات بازرگانی کشور طراحی و اجرا گردد.

۳/۶. جمع بندی کلی

مطالعه حاضر نشان داد که فهم بحران‌های بازرگانی بدون توجه به بُعد نهادی سیاست‌گذاری ممکن نخواهد بود. سازه‌های نهادی، از سطح قواعد رسمی تا کنش‌های اجرایی، در پویایی اقتصاد بحران‌زده نقش اساسی دارند. ظرفیت نهادی زمینه ی تولید سیاست‌های خلاق و انسجام حکمرانی تضمین‌کننده‌ی استمرار اجرای آن سیاست‌ها می‌باشد. نتیجه ی نهایی آن، دستیابی به تاب‌آوری حوزه تصمیمی است؛ یعنی توانایی سیستم برای تداوم جریان تصمیم و تصمیم‌سازی در شرایط غیر عادی.

به بیان دیگر، مدل مطالعه حاضر بیان گر آن است که کشورِ دارای ظرفیت نهادی بالا، انعطاف سیاستی قوی و انسجام حاکمیتی یکپارچه، قادر است چرخه ی تصمیمات اقتصادی خود را به گونه‌ای یادگیرنده تنظیم کند و از بحران، فرصت توسعه بیافریند. این بررسی با یافته‌های نورث، مائو و گورگ هم‌راستا بوده و مسیر آینده ی مطالعات نهادگرای تجاری در فضای ملی جمهوری اسلامی ایران را ترسیم می‌کند.

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]

۷. منابع

۷/۱. منابع فارسی

ایران‌فر، علی و عموزاد خلیلی، رضا (تابستان ۱۴۰۱). «بررسی نهادی انعطاف سیاستی در وزارت نفت ایران». فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد و مدیریت صنعتی، شماره ۶۳، تهران: دانشگاه علم و صنعت.

جلالی، غلامرضا (۱۳۹۰). جنگ اقتصادی و پدافند غیرعامل. جلد ۱، چاپ دوم، تهران: سازمان پدافند غیرعامل کشور.

برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۲). فصل ۱۹، ص ۲۴۵-۲۴۹، تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲). مصوب ۲۹ بهمن ۱۳۹۲، شورای تشخیص مصلحت نظام، تهران.

مقاله بازرگانی AHP (بی‌تا). «تحلیل تصمیم‌گیری چندمعیاره در سیاست‌گذاری تجاری». مجله بازرگانی و سیاست اقتصادی، تهران: دانشگاه تهران.

مرکز مطالعات نهادی صنعت نفت (۱۴۰۱). «تحلیل ظرفیت نهادی در بخش انرژی». نشریه مطالعات نهادی ایران، جلد ۱۶، شماره ۶۳، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۷/۲. منابع بین المللی

North, Douglass C. (1990). Institutions, Institutional Change and Economic Performance. Vol. 1, Cambridge: Cambridge University Press.

Veblen, Thorstein B. (1934). The Theory of the Leisure Class: An Economic Study of Institutions. New York: Macmillan Press.

Commons, John R. (1931). Institutional Economics. Madison: University of Wisconsin Press.

Mao, Ting et al. (2020, June). “Friends like this: The impact of the US China trade war on global value chains.” The World Economy, Vol. 43(6), UK: Wiley Blackwell.

Görg, Holger; Hanley, Aoife; and O’Mahony, Mary T. (2020, October). “Global Productivity and Policy Responses in Trade Frictions.” Schmalenbach Journal of Business Research, Vol. 72, Germany: Springer.

Förster, Theresa (2022, March). “Institutional Adaptability During Economic Disruptions.” Journal of European Policy Studies, Vol. 3(2), Berlin: De Gruyter.

Bárbara, de Sousa Ferreira (2023, April). “Institutional responses to sanctions: Resilience through multi agency coordination.” Policy and Society, Vol. 42(3), Lisbon: Elsevier.

Williams, Jonathan et al. (2017, November). “Governance harmonies in crisis decision

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]

systems.” Public Administration Quarterly, Vol. 11 (4), New York: Routledge.

EUISS (European Union Institute for Security Studies) – Dreyer, Iana & Popescu, Nicu (December 2014). “Do sanctions against Russia work?” EUISS Brief No. 35, Paris: European Union Institute for Security Studies.

Iranian Industrial Institutional Studies (IIESHRM) (2021). “Institutional resilience in petroleum sector governance.” IIESHRM Journal, Vol. 16 (63), Iran: Shiraz University.

۳/۷.منابع اینترنتی

European Union External Action Service (EEAS) (Accessed 2025-10-15). “Sanctions policy framework against Russia.” EU External Relations Portal, available at:

https://www.eeas.europa.eu/policies/sanctions-policy-framework_en

OECD Trade Policy Platform (Accessed 2025-10-12). “Adaptive Institutional Responses under Trade Tensions.” OECD Online Bulletin, No. 44, Paris.

https://www.oecd.org/trade/adaptive-institutional-responses.htm

DOI.01.02.01

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

غلامی، سعید (۱۴۰۴)، «تحلیل نهادی سیاست‌گذاری بازرگانی در شرایط بحران» فصلنامه پیشرفت و توسعه نهادی، س۱، ش۲، تابستان ۱۴۰۴، صص ۱۸-۱.

انجمن علمی توسعه نهادی ایران

پیشرفت و توسعه نهادی ۷۱

سال پانزدهم، شماره دوم
تابستان ۱۴۰۴

[Downloaded from qipd.ir on 2026-10-08]